

طالبان در تلاش استفاده ابزاری از زنان افغانستان

حوا

زنان افغانستان، تحت امارت اسلامی طالبان تمام حقوق انسانی شان را فقط به خاطر زن بودن از دست داده‌اند. اما این کل ماجرا نیست، پس از این که زنان مبارز افغانستان شجاعانه در برابر حاکمیت وحشت و بربریت ایستادند، طالبان دست به دامن افراد یونیفورم پوش شدند تا توهم حمایت زنان از نظام طالبانی را خلق کنند. هر چند طالبان تصور می‌کنند با آوردن یک مشت انسان‌های سیاه‌پوش که جنسیت‌شان معلوم نیست، می‌توانند اعتراضات انقلابی زنان را سرکوب کرده و الگویی از بردگی برای نیمی از نفوس جامعه ارایه دهند، اما آنان نمی‌دانند که زنان افغانستان برده‌گی را نمی‌پذیرد و برای آزادی و حقوق‌شان تا سقوط این نظام برده‌پرور پیش خواهند رفت.

گروه طالبان روز شنبه (۲۰ سنبله) یک گروه از افراد نقاب پوش (که طالبان ادعا کردند، زن بودند) را در تالار دانشگاه تعلیم و تربیه کابل گردآورد تا آنان حمایت‌شان را از «امارات اسلامی» اعلام کنند و علیه دموکراسی، آزادی و «نظام مختلط درسی در دانشگاه‌ها و مدارس» شعار دهند. مردم افغانستان، به خصوص زنان در شبکه‌های اجتماعی به این استفاده‌ی ابزاری طالبان واکنش نشان داده و گفته‌اند که زنان افغانستان این‌گونه لباس نمی‌پوشند. تعدادی به زن بودن این افراد که همه‌شان یک دست یونیفورم سیاه پوشیده بودند، شک کرده و گفته‌اند که ممکن است طالبان مثل گذشته از جنگجویان مردشان برای این کار استفاده کرده باشند. البته باید گفت که طالبان سابقه‌ی طولانی استفاده از لباس زنانه را دارند. در گذشته آنان از لباس زنانه برای مخفیکاری و اعمال اهداف نظامی‌شان استفاده کرده‌اند.

اما آنچه بیشتر از هر چیزی سوال برانگیز است، دنباله‌روی بی‌چون و چرای طالبان از متحدان منطقی و مشاوران خارجی‌شان است. احتمالاً مغزشویی در مدارس پاکستان و دسترخوان چرب قطر، بر طالبان تاثیر گذاشته تا جایی که آنان حتی لباس همسران، مادران و خواهرانشان را برای استفاده‌ی سیاسی به هراج گذاشته و می‌خواهند از تن زنان افغانستان بلیبوردهایی برای تبلیغات ایدئولوژیک‌شان استفاده کنند.

زنان افغانستان با حضورشان در جاده‌ها با لباس‌های رنگی، به طالبان پاسخ گفتند: زنان افغانستان مرده و سیاه‌دل نیستند. زنان افغانستان، لباس رنگی و دلشاد می‌پوشند. زنان افغانستان چادرهای‌شان گل سرخ دارد. زنان افغانستان بار زندگی‌شان را به دوش کشیده‌اند و از این پس نیز برای گرفتن حق‌شان مبارزه خواهند کرد.

طالبان برای ترویج ایدئولوژی زن‌ستیز و ضد انسانی‌شان در تلاش استفاده‌ی ابزاری از زنان افغانستان اند. چنانچه در همایش روز شنبه دیده شد، یک گروه سازماندهی شده، با استفاده از نام زنان، از امارت اسلامی طالبان اعلام حمایت کردند. اما جالب این‌جاست که این افراد سیاه‌پوش هیچ شباهتی با زنان افغانستان ندارند. این افراد نه تنها لباس‌شان به زنان افغانستان نمی‌ماند، بلکه نوع برگزاری نمایش‌شان نیز هیچ نقطه‌ی مشترکی با اعتراضات زنان ندارد. زنان افغانستان برای آزادی و حقوق انسانی‌شان به خیابان می‌آیند، نه برای حمایت از بردگی‌شان. این لباس سیاه، یونیفورمی است که طالبان، تحت تاثیر دروس عقب‌گرایانه مدارس دیوبندی و الهام‌گیری از هم‌نظران بنیادگرایشان در کشورهای عربی در تلاش اند بر زنان افغانستان تحمیل کنند. گرفتن حق پوشش و تحمیل یونیفورم بر بخش بزرگی از جامعه، یکی از مشخصه‌های رژیم‌های تیوکراتیک شبه فاشیستی است.

پس از سقوط حکومت دست‌نشانده و قدرت‌گیری دوباره‌ی طالبان، نه تنها زنان، بلکه مردان افغانستان نیز حق انتخاب پوشش‌شان را از دست دادند. تعداد زیادی از مردانی که تا روز شنبه، بیست و سوم اسد با پتلون و یخن‌قاق به کار می‌رفتند، از زمان ورود طالبان به کابل، با پیراهن و تنبان سر و وظایف‌شان حاضر می‌شوند. از آنجایی که نمی‌توان، تغییر لباس اکثریت مردان جامعه را به تغییر سلیقه‌ی جمعی آنان ربط داد، می‌توان نتیجه گرفت که حق پوشش کل جامعه در خطر است. اما حق پوشش زنان به‌طور خاص مورد حمله قرار دارد، زیرا ایدئولوژی ارتجاعی و ضدزن طالبان بر سرکوب زنان و محروم ساختن آنان از بنیادی‌ترین حقوق انسانی استوار است. کنترل بر بدن زن و محروم کردن زنان از تمامی حقوق انسانی‌شان، یکی از روش‌های اصلی طالبان برای کنترل و اسلامیزه سازی جامعه است. طالبان در تلاش‌اند تا با حذف زنان از جامعه که به باور آنان منبع اصلی «فساد اخلاقی» و «گناه» هستند، یک جامعه بسته و افراطی تشکیل دهند که کنترل آن فقط به دست «مولوی، ملا و آخوندهای» غار نشین باشد.

طالبان با گره زدن قرائت‌های مذهبی با مفاهیمی همچون «ناموس» و «غیرت» در تلاش بسیج افکار عامه در حمایت از ایدئولوژی ضد انسانی‌شان‌اند. سال گذشته طالبان در نوشته‌ی کوتاهی مدعی شده بودند که طالبان مدافعان حقوق زنان‌اند؛ اما ایدئولوژی و ادبیات حاکم بر همان نوشته‌ی کوتاه نشان می‌داد که طالبان نه تنها مدافع حقوق زنان نیستند، بلکه این گروه، انسان بودن زن را نیز نفی می‌کند. در باور طالبانی، زن انسانی کامل، مختار و آگاه نیست، بلکه شی‌ای است قابل تملک. در مطابقت به این باور است که اکنون طالبان در تلاش‌اند چگونگی لباس پوشیدن، رفتار، فعالیت و حضور زنان در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی را کنترل کنند.

بر اساس ایدئولوژی طالبان، هر زنی که خواستار حق مشارکت و فعالیت در جامعه است، «فاحشه» و «کافر» بوده و باید سرکوب شود. بنابراین، طالبان از یک طرف تظاهرات و تجمعات مسالمت‌آمیز زنان افغانستان را سرکوب کرده و از طرف دیگر، با آوردن گروهی سیاه‌پوش به‌حمایت از امارت‌شان، در تلاش‌اند تا پوشش وارداتی و بیگانه که نماد تحجر و بربریت است را بر زنان تحمیل کنند، چیزی که زنان افغانستان در برابر آن مقاومت خواهند کرد.

هر چند طالبان در دوران اول حکومت‌شان (۱۹۹۶-۲۰۰۱)، زنان را وادار به پوشیدن برقع کرده بودند، اما استفاده‌ی ابزاری از زنان به گونه‌ای که طالبان روز شنبه (۲۰ سنبله) در کابل به نمایش گذاشتند، شاهد نشده بود. اما چنین استفاده‌ی ابزاری از زنان در تاریخ افغانستان بی‌سابقه نیست. در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰، رژیم خلق و پرچم در سایه اشغال سوسیال امپریالیزم شوروی، زنان و دختران مکاتب و دانشگاه را برای تبلیغ و ترویج ایدئولوژی حزبی‌شان به خیابان‌ها می‌آوردند. این رژیم از یک طرف با آوردن زنان به خیابان، ادعای مشروعیت و دموکراتیک بودن داشت و از طرف دیگر، از حضور زنان برای سیاست رویونیستی، ضدملی و در خدمت اشغال سوسیال امپریالیستی استفاده می‌کرد. البته با این تفاوت که حزب دموکراتیک خلق، با صنف‌های اجباری سوادآموزی و رفع اجباری حجاب ادعای مبارزه برای حقوق زنان را داشت، در حالی که استفاده‌ی ابزاری طالبان از زنان، در ضدیت با حضور اجتماعی و حقوق سیاسی آنان انجام می‌شود.

افزون بر آن، باید تذکر داد که امپریالیست امریکا و متحدان غربی‌اش نیز از مساله‌ی زنان به عنوان یک ابزار سیاسی برای توجیه اشغال و حضور نظامی‌شان در افغانستان استفاده کردند. در بیست سال گذشته نیز، حضور سمبولیک زنان در مناصب دولتی رژیم دست‌نشانده،

به‌عنوان دست‌آورد امریکا و متحدان غربی‌اش در افغانستان تجلیل می‌شد. اما وقتی سیاست خارجی و منافع امپریالیست امریکا خروج از افغانستان را اقتضا کرد، این کشور عملاً سقوط حکومت دست‌نشانده در کابل را سرعت بخشیدند.

امروز زنان افغانستان با توجه به تجربه‌ی ۲۰ سال گذشته و استفاده‌جویی امپریالیست امریکا از مساله‌ی زنان، به درک عمیقی از وضعیت خودشان در افغانستان رسیده‌اند و به‌همین خاطر حتی با دست‌خالی در سنگر مبارزه ایستاده‌اند. در طی چند هفته‌ی گذشته، زنان افغانستان با راه‌اندازی تجمعات اعتراضی وسیع در شهرهای کشور در مقابل نیروهای تا دندان مسلح طالبان ایستادند و انزجار و نفرت‌شان را از سیاست‌ها و عملکردهای ضدانسانی و زن‌ستیزانه این گروه اعلام کردند.

ایستادگی امروز زنان در مقابل طالبان به‌خاطر حق زنده‌گی است. طالبان از زنان حق‌گشت و گذار، حق تحصیل و کار را گرفته‌اند. به عبارتی ساده‌تر، طالبان از زنان حق زندگی و زنده ماندن را گرفته‌اند. تمام زنانی که تا یک ماه پیش نان آوران خانواده‌شان بودند، امروز در حبس خانگی قرار دارند و معلوم نیست نان شب‌وروزشان از کجا می‌آید. طالبان چاره‌ای جز مبارزه برای زنان باقی نگذاشته‌اند.

نکته‌ی قابل‌تأمل این است که ما نباید این نمایشات مضحک طالبان را دست‌کم بگیریم. طالبان با سلاح‌های جنگی امریکایی، میله‌های آهنی، شوک‌برقی و شلاق‌های کبیلی‌شان توانایی آن را دارند که این لباس مضحک، ترسناک و بیگانه را بر جامعه افغانستان تحمیل کنند. بنابراین، اکنون وقت آن است که نیروهای کمونیست، مترقی در صف نخست سازماندهی و مبارزه برای آزادی زنان و سرنگونی رژیم طالبان، سرنگونی دیکتاتوری طبقات فیودال بورژواکمپرادور و حامیان امپریالیستی و ارتجاعی‌شان و برای نابودی کلیه اشکال ستم طبقاتی، جنسیتی و ملیتی به پا خیزند.